

مقایسه هوش هیجانی در بین سردبیران رسانه‌های پایبند و غیر پایبند به قانون مطبوعات

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۰

علی احمدی^۱

دکتر رمضان حسن زاده^۲

چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه هوش هیجانی در بین سردبیران رسانه‌های پایبند و غیر پایبند به قانون مطبوعات اجرا شده است. روش پژوهش پس رویدادی یا علی - مقایسه ای و جامعه آماری شامل سردبیران رسانه‌های مختلف دیداری (شامل خبرگزاری ها، پایگاه‌های اطلاع رسانی، روزنامه‌ها و مجلات) کشور است که از میان آنها ۵۰ نفر در دو گروه پایبند (۲۵ نفری) به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و گروه غیر پایبند (۲۵ نفری) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده اند. ابزار سنجش شامل مقیاس ۹۰ سوالی هوش هیجانی بار - آن (۱۹۹۷) است.

داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و در دو سطح توصیفی و تحلیلی (آزمون تی مستقل) مورد سنجش قرار گرفت و یافته‌ها نشان داد که در مجموع هوش هیجانی سردبیران غیر پایبند به قانون مطبوعات، پایین‌تر از سردبیران رسانه‌های پایبند به قانون مطبوعات است.

کلمات کلیدی: هوش هیجانی، سردبیران، قانون مطبوعات.

^۱ کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

^۲ استاد و مدیر گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری

مقدمه

امروزه در عصر اطلاعات و ارتباطات، رسانه‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی توانسته‌اند جایگاه مهم و موثری داشته باشند. در این میان با توجه به میزان تاثیرگذاری رسانه‌ها و به موازات گسترش کمی و کیفی و سایل ارتباط جمعی، ضرورت قوانین و مقررات کشوری و بین‌المللی و نیز اصول اخلاقی - حرفه‌ای حاکم بر آن و رعایت آن‌ها توسط سردبیران به عنوان مدیران تولیدات محتوایی رسانه‌ها و کنترل‌کننده اخبار و نوع عملکرد روزنامه نگاران و دیگر همکاران آنها که تحت مدیریت ایشان فعالیت می‌کنند بسیار مهم و ضروری است.

تردیدی وجود ندارد که وجود قوانین و مقررات و یا رعایت آن برای برقراری نظم و کارکرد صحیح صنوف مختلف و در هر عرصه‌ای لازم است. از طرفی ضرورت حفظ اعتماد مخاطبین به عنوان یک اصل برای اصحاب رسانه با لحاظ قوانین و رعایت اصول حرفه‌ای این حرفه بسیار مهم است. در این میان سردبیران و عوامل رسانه‌ها خوب می‌دانند که تاچه اندازه رعایت اصول و قوانین در حفظ اعتماد و رویکرد مثبت اجتماعی مردم نسبت به رسانه‌ها، مردم و نیز حاکمیت، موثر است. حال در این میان نقش افراد و ویژگی‌ها و تفاوت‌های شخصی ایشان در توانمندی‌های روانی به عنوان نیروهای انسانی شاغل و فعال در این عرصه و تاثیر آن در التزام و پایبندی و یا ناپایبندی ایشان به قانون مطبوعات می‌تواند بسیار مهم و محل مذاقه و توجه باشد.

در این میان بررسی هوش هیجانی به عنوان عاملی موثر در کیفیت و کمیت زندگی فردی و اجتماعی - شغلی افراد و میزان تاثیر آن در عملکرد قانونی سردبیران به عنوان یکی از مهم‌ترین و موثرترین مشاغل حوزه رسانه مورد توجه این پژوهش است.

سردبیران و روزنامه نگاران به عنوان گروه‌های عمدتاً مرجع و موثر و جریان ساز و تاثیر گذار اجتماعی هستند و کارکرد شغلی آنها مهم و قابل تامل باشد و کیفیت و کمیت عملکرد حرفه‌ای ایشان برای آگاهی بخشی و رشد و تعالی جامعه و نیز احساس امنیت و آرامش ذهنی مخاطبان رسانه و سایر مسایل اجتماعی و حتی فرهنگی و سیاسی کشور بسیار حیاتی است. لذا موضوع اهمیت آموزش‌های تقویت و افزایش هوش هیجانی سردبیران و روزنامه نگاران و ارتقاء عملکرد فردی سردبیران و تاثیرات آن در فضای رسانه‌ای کشور و کاهش آسیب‌های مختلف فعالیت غیر حرفه‌ای و عدم پایبندی به قانون از عمده‌مسایلی است که شاید بخش زیادی از مشکلات اجتماعی - سیاسی کشور و متاثر از نوع عملکرد رسانه‌ها به آن بر می‌گردد و از اهمیت پرداخت و توجه ویژه‌ای برخوردار است.

امروزه روان شناسان معتقدند که هر انسانی دارای دو نوع شعور است؛ شعوری که متکی بر عقل و اندیشه است و شعوری که عمدتاً متکی بر احساسات و عواطف است، همانگونه که ماهیت انسان نه منطبق صرف است و نه احساس و عاطفه صرف؛ بلکه ترکیبی از هر دوی آنها می باشد. شعور عقلایی و منطقی شیوه درک مسائل از طریق تکیه بر اموری همچون؛ آگاهی، اندیشه، توانایی، تعمق، بررسی و واکنش متقابل است. شعور عاطفی نوعی سیستم آگاهی دهنده ی قدرتمند است که گهگاه به گونه ای غیرمنطقی عمل می کند. این دو شعور یا دو شیوه متفاوت و اساسی آگاهی، بر یکدیگر تاثیر متقابل داشته و حیات ذهنی افراد را می سازند. در اکثر اوقات این دو شعور به گونه ای شگفت آور هماهنگ هستند و همان قدر که احساسات در مقابل عقل جنبه اساسی دارد، عقل نیز در مواجهه با عواطف عامل بنیادی و مهم به شمار می رود. مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف و نتایج تحقیق حاصل از آنها تایید این دیدگاه است که هوش هیجانی تصویر و شمایی جامع از توانایی شخص برای دستیابی به موفقیت بالا به دست می دهد. در واقع هوش هیجانی عدم موفقیت افراد دارای بهره هوشی متوسط را در زندگی به خوبی تبیین می کند (فرجی حرانی، ۱۳۹۲). به عبارتی، اگر فردی دارای بهره هوشی بالا باشد اما از هوش هیجانی کمی برخوردار باشد، چنین شخصی ممکن است در دنیای علم، پیشرفت های چشم گیری داشته باشد اما در زندگی شخصی و اجتماعی اش توان برقراری یک رابطه مناسب با دیگران ندارد و نمی تواند رفتار مفید و موثری داشته باشد (کاب و مایر، ۲۰۰۰).

نقش هوش هیجانی در زندگی فرد چنان که در خطوط فوق بیان شد، بسیار مهم و تاثیرگذار است. پژوهش ها نشان می دهند که افرادی که مهارت هیجانی دارند، یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی می شناسند و هدایت می کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طرز اثربخشی با آنان برخورد می کنند دارای مسئولیت پذیری بیشتری هستند و در هر حیطة ای از زندگی موفق اند (گلمن، ۱۳۸۹).

مسأله هوش به عنوان یک ویژگی اساسی که تفاوت های فردی را در بین انسان ها موجب می شود از ابتدای تاریخ مکتوب انسان مورد توجه بوده است؛ اما از آغاز، مطالعه هوش غالباً بر جنبه های شناختی آن نظیر حافظه، حل مسأله و تفکر تاکید شده، در حالی که امروزه نه تنها جنبه های غیر شناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی و شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد بلکه در پیش بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده است (ونگ و لاو به نقل از حسینیان و همکاران، ۱۳۹۰). مفهوم هوش هیجانی برای اولین بار در مقاله ای توسط جان مایر و پیتر سالووی در سال ۱۹۹۰ میلادی بیان

گردید و از آن پس مورد توجه دیگر روان‌شناسان قرار گرفت. هوش هیجانی از طرفی بر بسیاری جنبه‌های زندگی انسان اثرگذار است و می‌تواند منجر به انجام بهتر کارها و امور، بهزیستی و خود شکوفایی فرد گردد (بار-آن، ۲۰۰۶). می‌توان گفت، اگر فردی دارای بهره هوشی بالا باشد اما از هوش هیجانی بالایی برخوردار نباشد، چنین شخصی ممکن است در دنیای علم، پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته باشد، اما در زندگی روزمره و اجتماعی‌اش توانایی برقرار نمودن یک رابطه مناسب با دیگران را ندارد و نمی‌تواند رفتار مفید و موثری داشته باشد (کاب و مایر، ۲۰۰۰).

می‌توان گفت؛ هوش هیجانی نوع دیگر با هوش بودن است. مهارت‌های هوش هیجانی به فرد اجازه می‌دهد تحت شرایط سخت، بهتر فکر کند و از هدر رفتن زمان به واسطه‌ی احساساتی همچون خشم، اضطراب و ترس جلوگیری نماید (بارمحمدیان، ۱۳۸۷). به عبارتی، هوش هیجانی، تفکر را با هیجانان و هیجانان را با تفکر ترکیب می‌کند و از این‌رو نقش مهمی در زندگی افراد ایفا می‌کند (سالووی و مایر، ۱۹۹۰). در نتیجه، افراد با هوش هیجانی بالا، توانایی بیشتری در شناخت و کنترل هیجانان خود دارا می‌باشند. هوش هیجانی یعنی توانایی‌هایی، مانند این که فرد بتواند انگیزه‌ی خود را حفظ نماید و در مقابل ناملایمات پایداری کند؛ تکانش‌های خود را کنترل کند و کامیابی را به تعویق بیندازد؛ حالات روانی خود را تنظیم کند و نگذارد پریشانی خاطر، قدرت تفکر او را خدشه‌دار سازد؛ با دیگران همدلی کند و امیدوار باشد (گلمن، ۱۳۸۹). لذا موضوع آموزش مهارت‌های هیجانی می‌تواند برای افراد با جایگاه و نقش‌های مختلف اجتماعی به عنوان مثال سردبیران و روزنامه نگاران به عنوان گروه‌های عمدتاً مرجع و موثر و جریان ساز و تاثیر مثبت آن در کارکرد شغلی آنها مهم و قابل تامل باشد و می‌تواند برای رشد و تعالی توده مردم و افراد جامعه و احساس امنیت و آرامش ذهنی مخاطبان رسانه‌ها، و مسایل اجتماعی و حتی فرهنگی و سیاسی بسیار حیاتی و موثر است.

سردبیران و روزنامه نگاران به عنوان گروه‌های عمدتاً مرجع و موثر و جریان ساز و تاثیر گذار اجتماعی هستند و کارکرد شغلی آنها مهم و قابل تامل باشد و کیفیت و کمیت عملکرد حرفه‌ای ایشان برای آگاهی بخشی و رشد و تعالی جامعه و نیز احساس امنیت و آرامش ذهنی مخاطبان رسانه و سایر مسایل اجتماعی و حتی فرهنگی و سیاسی کشور بسیار حیاتی است. با توجه به آن چه که بیان شد، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این اهمیت به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا هوش هیجانی سردبیران پایبند و غیر پایبند به قانون مطبوعات متفاوت است؟

همچنان که پیشتر در مورد اهمیت میزان هوش هیجانی در بین سردبیران و نتایج کاری ایشان و نقش آن در جامعه بیان شد، در باب اهمیت و ضرورت پژوهش باید توجه داشت که در واقع تنظیم و مدیریت هیجان به معنای توانایی خلق و ایجاد استراتژی‌های موثری است که فرد را قادر می‌سازد تا با استفاده از هیجانات خویش به هدف برسد، بجای اینکه تحت‌تاثیر هیجانات خویش به راه غیرقابل پیش‌بینی‌ای قدم بگذارد (مایر و دیگران، ۲۰۰۲). لذا مدیریت هیجان به این معنی است که کسی که قادر و توانا به اداره هیجان‌های خود است، ادراک هیجانی خوبی دارد و از تغییرات روحیه و فهم هیجانی برخوردار است. یعنی فردی که از نظر هیجانی با هوش است و باید بتواند با شرایط ناپایدار و مختلفی روبرو شود که این امر خود نیازمند درک این حالت‌های هیجانی در خود و دیگران است. همچنین، مدیریت هیجان به معنی توانایی ارتباط با یک هیجان براساس کاربرد آن در موقعیتی معین است. سطح مطلوب کنترل و تنظیم هیجان‌ها در تعادل آن‌هاست. البته افراد از روش‌ها و فنون متعددی برای تنظیم خلق و خوی خود استفاده می‌کنند که از آن طریق بتوانند هیجان‌های دیگران را نیز کنترل کنند. روش فعالانه تنظیم خلق و خوی، شامل ترکیبی از آرام‌سازی، کنترل استرس و فشار روانی، تلاش‌های شناختی و ورزش ممکن است موثرترین روش‌ها برای تغییر این خلق منفی باشد (مایر و سالووی، ۱۹۹۷).

حال یکی از مشاغل و حرفه‌های مهم، فعالیت رسانه ای و روزنامه نگاری است. در این میان نقش سردبیران به عنوان مدیران و شکل دهندگان جریان ذهنی روزنامه نگاران و موضوعات پرداخت رسانه ای ایشان بسیار مهم و موثر می‌نماید. کشور ما از معدود کشورهای جهان است که با دارا بودن درصد زیادی از جمعیت جوانان زیر ۳۵ و نیز تعداد رسانه‌های قابل توجه فعال مکتوب و الکترونیکی ملی و داخلی همواره مورد هجوم القانات رسانه ای خارجی منفی و در این زمینه بسیار آسیب پذیر است. همچنین از آنجا که رسانه‌ها انتقال دهنده و مروج الگوهای مختلف سبک زندگی برای اقشار مختلف اجتماعی خاصه جوانان، هستند. عملکرد صحیح رسانه‌های کشور و پرداخت اصولی به وظایف و رسالت مطبوعاتی ایشان برای کشور ما که همواره مورد نظر استعمارگران و در حمله حملات و دسیسه‌های مختلف امنیتی، اقتصادی، نظامی و سیاسی بوده و هستیم، امری بسیار حیاتی است. گاهی کمترین و کوچکترین خطای فردی در روزنامه نگار و انتشار اخبار با موضوع امنیت ملی و سرنوشت فردی و جمعی و یا مسایل کلان سیاسی و اقتصادی ما گره می‌خورد.

از آنجا که عملکرد قانونی و حرفه ای سردبیران و بالطبع رسانه‌ها شاید بیش از سایر اقشار و گروه‌های جامعه در ایجاد آگاهی‌های عمومی و مختلف موثر در زندگی سالم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی افراد و خانواده‌ها نقش آفرین و بسیار موثر هستند، این تحقیق در صدد است تا به بررسی رابطه بین هوش هیجانی سردبیران رسانه‌ها با میزان پایبندی و ناپایبندی ایشان به قانون مطبوعات، بتوان با دلایل مستند و علمی در مورد هوش هیجانی ایشان و همزمان کیفیت و کمیت رفتار حرفه ای و شغلی سردبیران و نیز ارایه راهکارهای لازم برای ارتقاء این مهم شناخت پیدا کرده و اقدام نمود. هر چند که هوش هیجانی موضوع و جزو متغیرهای بسیاری از پژوهش‌های حوزه روانشناسی بوده است ولی در این زمینه خاص متاسفانه و تا کنون پژوهش‌های لازم در داخل یا خارج از کشور یافت نشده است و به آن نپرداخته‌اند.

از نظر سالووی و مایر (۱۹۹۰^۳)، و در تعریف و توضیح هوش هیجانی، افراد در توانایی‌شان برای پردازش اطلاعات مربوط به یک واقعه هیجانی و توانایی‌شان در ارتباط دادن پردازش هیجانی جهت شناخت وسیع‌تر، متفاوت‌اند. هوش هیجانی به توانایی فرد برای کنترل احساسات و هیجان‌ات خود و دیگران، تمایز بین احساسات و هیجان‌ات خود و دیگران و نیز استفاده از این اطلاعات برای هدایت اعمال و افکار می‌دانند (مایر و سالووی، ۱۹۹۷). به بیان ساده، هوش هیجانی، توانایی توانایی پردازش اطلاعات هیجانی خود و دیگران است.

همچنین بنا به تعریف بار-آن، هوش هیجانی مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی می‌باشد که توانایی‌های فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با مقتضیات و فشارهای محیطی افزایش می‌دهد و موجب بروز رفتارهای سازگارانه و انسان‌دوستانه از سوی افراد می‌شود (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۱). مفهوم هوش هیجانی از دید بار-آن شامل پنج مولفه درون‌فردی، بین‌فردی، سازگاری، کنترل استرس و خلق عمومی می‌باشد که هر کدام خود دارای زیرمجموعه‌هایی می‌باشند (بار-آن، ۱۹۹۷ نقل از بار-آن ۲۰۰۰)

ابعاد هوش هیجانی

مولفه درون فردی (بعد اول) افرادی مولفه درون فردی بالایی برخوردارند که از احساسات خود آگاه باشند و بتوانند این احساسات و عقاید را بیان و از حق خود دفاع کنند. همچنین، توانا

³ Salovey & Mayer

در پذیرش و احترام به خود و شناخت قابلیت های خود باشند. این افراد، همچنین، دارای خودکنترلی در تفکر و عمل می باشند و برای برآوردن نیازهای عاطفی خود از دیگران پرهیز می نمایند.

مولفه بین فردی (بعد دوم) افرادی مولفه بین فردی بالایی برخوردارند که توانا در شناخت هیجانات دیگران، برقراری و حفظ ارتباطات رضایت بخش باشند و بتوانند خود را به عنوان عنصری مسئول، سازنده، دارای حس همکاری و مشارکت کننده در گروه ها نشان دهند. همچنین، توانا در صمیمیت با محبت و انتقال دوستی به شخص دیگر می باشند.

مولفه سازگاری (بعد سوم) افرادی دارای سازگاری هستند که توانا در شناخت و تعریف مشکلات و انجام راه حل باشند و بتوانند خود را با شرایط منطبق ساخته و واقعیت امور را بدون خیال پردازی بشناسند. این افراد در برابر تغییرات صبور و گشاده رو می باشند.

مولفه کنترل استرس (بعد چهارم) افرادی که قادر به کنترل استرس خود هستند که بتوانند استرس و فشار روانی را تحمل نموده و خوددار باشند و می توانند موقعیت ها مشکل زا را بدون از پای درآمدن پشت سر بگذرانند و همچنین، بتوانند خشم خود را کنترل نمایند.

مولفه خلق عمومی (بعد پنجم) افرادی دارای خلق عمومی بالا هستند که نگاه خوش بینانه و مثبت به امور دارند و از خود و زندگی احساس رضایت و شادمانی دارند (بار-آن، ۲۰۰۶).

مسئله هوش به عنوان یک ویژگی اساسی که تفاوت های فردی را در بین انسان ها موجب می شود از ابتدای تاریخ مکتوب انسان مورد توجه بوده است؛ اما از آغاز، مطالعه هوش غالباً بر جنبه های شناختی آن نظیر حافظه، حل مسئله و تفکر تأکید شده، در حالی که امروزه نه تنها جنبه های غیر شناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی و شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد بلکه در پیش بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده است (ونگ و لاو به نقل از حسینیان و همکاران، ۱۳۹۰).

مفهوم هوش هیجانی برای اولین بار در مقاله ای توسط جان مایر و پیتر سالووی در سال ۱۹۹۰ میلادی بیان گردید و از آن پس مورد توجه دیگر روان شناسان قرار گرفت.

از دید مویرا و الیویه، مفهوم هوش هیجانی، ژرفای تازه ای به هوش انسان بخشید و آن را به توانایی ارزیابی هوش عمومی فرد از خود گسترش داده است. هوش هیجانی با شناخت فرد از

4 . John Mayer

5 . Peter Salovey

6 . Moira & Olivier

خود و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواسته‌های اجتماعی لازم است، ارتباط دارد و یک توانمندی تاکتیکی در عملکرد فردی محسوب می‌شود؛ در حالی که هوش شناختی، دارای قابلیت‌های استراتژیک و دراز مدت است. هوش هیجانی پیش‌بینی موفقیت را ممکن می‌سازد، زیرا نشان می‌دهد که چگونه فرد بلافاصله دانش خود را در موقعیت‌های مختلف به کار می‌گیرد (تمنایی فر و لیث، ۱۳۹۴).

هوش هیجانی بر بسیاری جنبه‌های زندگی انسان اثرگذار است و می‌تواند منجر به انجام بهتر کارها و امور، بهزیستی و خودشکوفایی فرد گردد (بار-آن، ۲۰۰۶). می‌توان گفت، اگر فردی دارای بهره هوشی بالا باشد اما از هوش هیجانی بالایی برخوردار نباشد، چنین شخصی ممکن است در دنیای علم، پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته باشد، اما در زندگی روزمره و اجتماعی‌اش توانایی برقرار نمودن یک رابطه مناسب با دیگران را ندارد و نمی‌تواند رفتار مفید و موثری داشته باشد (کاب و مایر، ۲۰۰۰).

می‌توان گفت؛ هوش هیجانی نوع دیگر با هوش بودن است. مهارت‌های هوش هیجانی به فرد اجازه می‌دهد تحت شرایط سخت، بهتر فکر کند و از هدر رفتن زمان به‌واسطه‌ی احساساتی همچون خشم، اضطراب و ترس جلوگیری نماید (پارمحمدیان، ۱۳۸۷). به‌عبارتی، هوش هیجانی، تفکر را با هیجانان و هیجانان را با تفکر ترکیب می‌کند و از این‌رو نقش مهمی در زندگی افراد ایفا می‌کند (سالووی و مایر، ۱۹۹۰). در نتیجه، افراد با هوش هیجانی بالا، توانایی بیشتری در شناخت و کنترل هیجانان خود دارا می‌باشند.

هوش هیجانی یعنی توانایی‌هایی، مانند این که فرد بتواند انگیزه‌ی خود را حفظ نماید و در مقابل ناملازمات پایداری کند؛ تکانش‌های خود را کنترل کند و کامیابی را به تعویق بیندازد؛ حالات روانی خود را تنظیم کند و نگذارد پریشانی خاطر، قدرت تفکر او را خدشه‌دار سازد؛ با دیگران همدلی کند و امیدوار باشد (گلمن، ۱۳۸۹).

همچنین تعریف عملیاتی هوش هیجانی عبارت از نمره‌ای است که آزمودنی از کل پرسش‌نامه استاندارد شده هوش هیجانی بار-آن (۲۰۰۲) کسب می‌کند.

در مبحث نظریات مربوط به هوش هیجانی با وجود شباهت‌ها و همپوشانی‌های نظری و مفهومی بسیار در رابطه با هوش هیجانی، می‌توان دو الگو را برای هوش هیجانی در نظر گرفت. الگوها و مدل‌های هوش هیجانی از دو دیدگاه توانایی‌ای ترکیبی مطرح شده‌اند.

یک وجه کاملاً متفاوت این دو الگو، تفاوت مفهوم «صفت» هوش هیجانی (یا خودکارآمدی هیجانی) و مفهوم «توانایی» هوش هیجانی (یا توانایی شناختی - هیجانی) می‌باشد.

تمایز فوق منجر به دو سازه و الگوی متفاوت می‌شود چرا که روش‌های مورد استفاده در عملیاتی کردن آنها اساساً با هم متفاوت است. بدین معنا که در الگوهای ترکیبی صفت هوش هیجانی از طریق خود گزارش‌دهی و در الگوهای توانایی هوش هیجانی از طریق تست‌های عملکردی ارزیابی می‌شود.

دیدگاه‌های توانایی هوش هیجانی را بطور کامل، برآمده از توانایی ذهنی می‌دانند و از این‌رو، آن را به‌عنوان هوش خالص می‌نامند. در مقابل دیدگاه‌های مرکب، هوش هیجانی را ترکیبی از توانایی‌های ذهنی و ویژگی‌های شخصیتی از قبیل خوش‌بینی و خرسندی می‌دانند (براکت و همکاران، ۲۰۰۴).

از جمله مدل توانایی هوش هیجانی، مدل جان مایر، پیترو سالووی و دیوید کارسو می‌باشد. روون بار - آن‌ها ۱۵۵ تا ۱۶۰ را ارائه‌کننده مدل‌های گوناگون مرکب از هوش هیجانی هستند.

مدل مایر، سالووی و کارسو

این مدل، جزء مدل‌های توانایی هوش هیجانی می‌باشد. به این معنا که هوش هیجانی را مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌ها می‌داند.

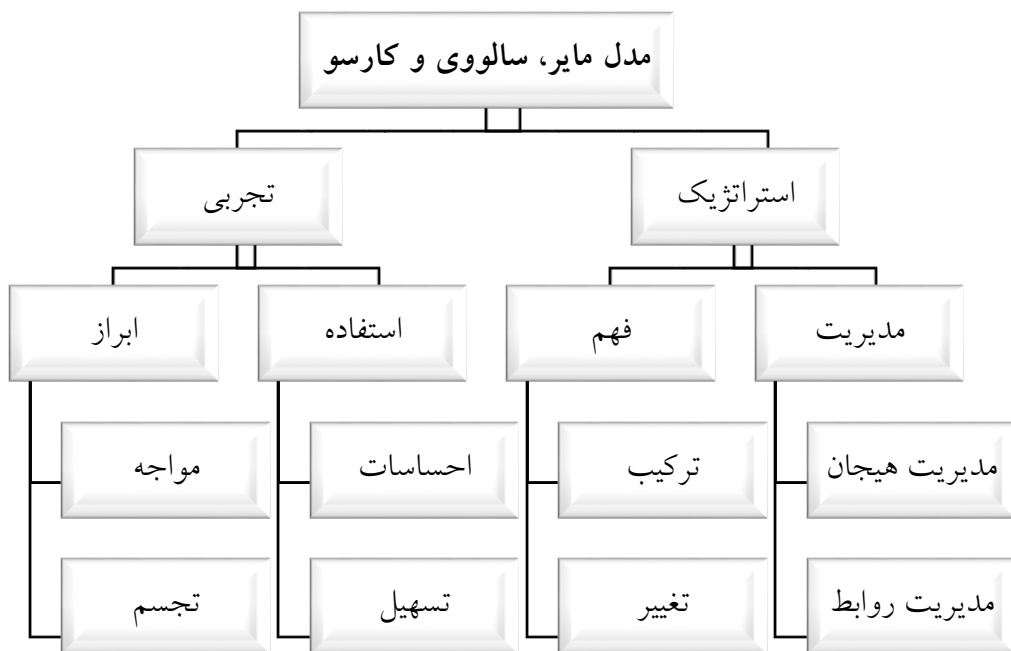
9. ability

1 . mixed	0
1 . emotional self-efficacy	1
1 . cognitive-emotional ability	2
1 . Brackett	3
1 . David R. Caruso	4
1 . Reuven Bar-On	5
1 . Goleman	6

از نظر سالووی و مایر (۱۹۹۰)، افراد در توانایی‌شان برای پردازش اطلاعات مربوط به یک واقعه هیجانی و توانایی‌شان در ارتباط دادن پردازش هیجانی جهت شناخت وسیع‌تر، متفاوت‌اند. هوش هیجانی به توانایی فرد برای کنترل احساسات و هیجانات خود و دیگران، تمایز بین احساسات و هیجانات خود و دیگران و نیز استفاده از این اطلاعات برای هدایت اعمال و افکار می‌دانند (مایر و سالووی، ۱۹۹۷). به بیان ساده، هوش هیجانی، توانایی توانایی پردازش اطلاعات هیجانی خود و دیگران است.

با توجه به تعریف، هوش هیجانی در این مدل، دارای دو حیطه هوش هیجانی و اطلاعات هیجانی است. حیطه مفهوم هوش تجربی (توانایی ادراک و ابراز هیجان) سهیل تفکر بواسطه هیجان ۹ و حیطه استراتژیک (توانایی فهم و مدیریت هیجان) ۲ که هر کدام از دو حیطه خود به دو شاخه تقسیم می‌شود (مایر و سالووی، ۱۹۹۷) که در شکل زیر این مدل با تمام زیر شاخه‌های آن نشان داده شده است.

-
- 1 . Experiential 7
 - 2 . Perceiving Emotion
 - 1 . Using Emotion to Facilitate Thought
 - 2 . Strategic 0
 - 2 . Understanding Emotion
 - 2 . Managing Emotion



شکل مدل هوش هیجانی مایر، سالووی و کارسو

این مدل متمرکز بر نقش هیجان‌ها و تاثیرات متقابل‌شان بر افکار است (مایر و سالووی، ۱۹۹۷). مایر و سالووی معتقدند که هوش هیجانی از توانایی‌های ذهنی، مهارت‌ها و قابلیت‌های متعددی تشکیل شده است. توانایی‌های ذهنی متمایز از دیگر توانایی‌ها بوده و شامل تفکر انتزاعی و حل مسائل می‌باشد (مایر و همکاران، ۲۰۰۰). به‌طور کلی می‌توان گفت، مهارت‌ها و توانایی‌های هوش هیجانی دارای چهار حیطه است: توانایی مربوط به دریافت هیجان، تسهیل تفکر بواسطه هیجان، فهم هیجان و مدیریت هیجان است (مایر و همکاران، ۲۰۰۴)، که در ادامه درباره هر یک توضیحاتی بیان می‌گردد.

بخش اول: توانایی ادراک و ابراز هیجان

این توانایی شامل شناخت درست چگونگی احساس دیگران می‌شود (مایر و همکاران، ۲۰۰۲). هوش هیجانی با ظرفیت بیان هیجانات شروع می‌گردد. ادراک هیجانی شامل توجه، کشف و ثبت اطلاعات و پیام‌های هیجانی می‌باشد که در ابراز هیجانات مشاهده می‌شود. در سیکل سیستم شناختی - هیجانی، این مولفه شامل بازشناسی و وارد کردن اطلاعات است.

توانایی افراد در توجه به ارزیابی و ابراز حالات هیجانی خود و دیگران متفاوت است. افرادی که با سرعت و دقت هیجان‌تشان را ارزیابی و بیان می‌کنند بهتر می‌توانند به افراد و محیط اطراف خود پاسخ دهند و چارچوب حمایت اجتماعی مناسبی را برای خود بسازند (مایر و سالووی، ۱۹۹۷).

بخش دوم: تسهیل تفکر بوسیله هیجان

این بخش شامل توانایی خلق هیجان‌ات و ترکیب و ادغام این هیجان‌ات با تفکر می‌باشد (مایر و همکاران، ۲۰۰۲). تسهیل هیجانی تفکر، بر این موضوع متمرکز است که چگونه هیجان بر روی سیستم شناختی اثر می‌نماید و به این ترتیب چگونه می‌تواند برای حل مسأله، استدلال، تصمیم‌گیری و کارهای خلاق به کار رود. شناخت می‌تواند بوسیله هیجان‌ها مختل گردد و یا در سیستم شناختی الویت ایجاد کند که به چه چیز مهمی توجه کند و به آن بپردازد. گاهی اوقات هیجان‌ها می‌توانند شناخت‌ها را تغییر دهند. وقتی شخص خوشحال است، آنها مثبت و هنگامی که غمگین است، منفی می‌شوند. این تغییرات سیستم شناختی را وادار می‌کند که چیزها را از دیدگاه و زوایای مختلف ببیند. تفاوت بین شک نمودن و قبول کردن. این مسأله باعث می‌شود که فرد عمیق‌تر و خلاقانه‌تر در مورد یک مسأله بیان‌دیشد (مایر و سالووی، ۱۹۹۷؛ مایر و همکاران، ۲۰۰۲).

بخش سوم: فهم و درک هیجان

این بخش به معنای توانایی فهم و درک دلایل هیجان‌ات می‌باشد (مایر و همکاران، ۲۰۰۲). از دید مایر و سالووی، اساسی‌ترین قابلیت در این بخش، شامل نام‌گذاری هیجان‌ها با لغات می‌باشد. کسی که بتواند هیجان‌ها را درک کند و معنی آن‌ها را بفهمد از نعمت ظرفیت درک روابط بین شخص برخوردار می‌باشد. افراد با هوش هیجانی بالا، توانایی تشخیص اصطلاحاتی که برای توصیف هیجان‌ات در مجموعه‌ای از کلمات آشنا و گروهی از عبارات هیجانی که در طبقه‌ای از کلمات نام‌شخص ترتیب یافته‌اند را دارند (دهکردی، ۱۳۸۶). این بخش شامل، توانایی درک هدف احساسات، روابط بین هیجان‌ات (اینکه فرد چرا و چطور می‌تواند هیجان‌ات خود را تغییر دهد)، رابطه میان افکار و هیجان‌ات، بررسی علت هیجان‌ات و ارتباط آن با نیازهای روانی انسان، بویژه نیازهای عاطفی برآورده نشده می‌باشد (مایر و سالووی، ۱۹۹۷).

بخش چهارم: تنظیم و مدیریت هیجان

این بخش به معنای توانایی خلق و ایجاد استراتژی‌های موثری است که فرد را قادر می‌سازد تا با استفاده از هیجانات خویش به هدف برسد، بجای اینکه تحت تاثیر هیجانات خویش به راه غیرقابل پیش‌بینی‌ای قدم بگذارد (مایر و دیگران، ۲۰۰۲).

مدیریت هیجان به این معنی که کسی که قادر و توانا به اداره‌ی هیجان‌های خود است، ادراک هیجانی خوبی دارد و از تغییرات روحیه و فهم هیجانی برخوردار است. در واقع فردی که از نظر هیجانی با هوش است، باید بتواند با شرایط ناپایدار روحی روبرو شود که این امر خود نیازمند درک این حالت‌های هیجانی است.

همچنین، مدیریت هیجان به معنی توانایی ارتباط با یک هیجان براساس کاربرد آن در موقعیتی معین است. سطح مطلوب کنترل و تنظیم هیجان‌ها در تعادل آن‌هاست. کوشش برای کوچک‌سازی یا از بین بردن هیجان‌ها ممکن است هوش هیجانی را سرکوب نماید.

افراد از روش‌ها و فنون متعددی برای تنظیم خلق و خوی خود استفاده می‌کنند که از آن طریق بتوانند هیجان‌های دیگران را نیز کنترل کنند. روش فعالانه تنظیم خلق و خوی، شامل ترکیبی از آرام‌سازی، کنترل استرس و فشار روانی، تلاش‌های شناختی و ورزش ممکن است موثرترین روش‌ها برای تغییر خلق منفی باشد (مایر و سالووی، ۱۹۹۷).

مدل دانیل گلמן

از منظر گلמן، هوش هیجانی متشکل از دو بخش فردی و اجتماعی است که مولفه‌های فردی هوش هیجانی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی و انگیزش (یا خودانگیزگی) و مولفه‌های اجتماعی هوش هیجانی شامل همدلی و مهارت‌های اجتماعی است که هر کدام دارای زیرمجموعه‌هایی می‌باشند (زهراکار، ۱۳۸۶).

بخش اول: مولفه‌های فردی هوش هیجانی

این بخش خود شامل سه حوزه خودآگاهی، خودتنظیمی و انگیزش (خودانگیزگی) می‌باشد (گلמן، ۱۳۸۹):

خودآگاهی

حوزه‌ی آگاهی محور اصلی هوش هیجانی است. گلמן خودآگاهی را درک عمیق و روشن از احساسات، عواطف، هیجانات و نقاط قوت و ضعف آن‌ها تعریف می‌کند. به عبارتی، توانایی شناسایی هیجانات به شکلی که وجود دارد، خودآگاهی است. این حوزه شامل، آگاهی هیجانی، ارزیابی صحیح از خود و اعتماد به نفس می‌باشد.

خودتنظیمی

کنترل هیجانات به شیوه‌ای مناسب مهارتی است که بدنبال حوزه آگاهی ایجاد می‌شود. اشخاص کارآمد در این حیطه بهتر می‌توانند از هیجانات منفی نظیر ناامیدی، اضطراب، تحریک‌پذیری رهایی یابند و در فراز و نشیب‌های زندگی کمتر با مشکل مواجه می‌شوند و یا در صورت بروز مشکل به سرعت می‌توانند از موقعیت مشکل‌زا به شرایط مطلوب بازگردند. این حوزه شامل، خودکنترلی، قابلیت اعتماد، جدیت و وظیفه‌شناسی، انطباق‌پذیری و نوآوری می‌باشد.

انگیزش (یا خودانگیزختگی)

این مولفه مربوط به تمرکز هیجان‌ها برای دستیابی به اهداف مورد نظر می‌باشد. بسیاری از روان‌شناسان خود انگیزه را شرط بقا می‌نامند. افراد خودانگیزخته ارضاء و سرکوب خواسته‌ها را به تاخیر می‌اندازند. آن‌ها همواره در تکاپو و حرکت هستند. تمایل دارند که همواره، موثر و مولد باشند. از نظر گلمن خود انگیزه زبان سائق پیشرفت می‌باشد و کوششی است جهت رسیدن به حد مطلوبی از فضیلت. این حوزه شامل، سائق پیشرفت، تعهد، ابتکار و خوش‌بینی می‌باشد.

بخش دوم: مولفه‌های اجتماعی هوش هیجانی:

این بخش شامل دو حوزه همدلی و مهارت‌های اجتماعی می‌باشد (گلمن، ۱۳۸۹):
همدلی اساس مهارت مردمی است. درک احساسات و هیجانات دیگران و به کارگیری یک عمل و واکنش مناسب. همدلی بیشتر به معنی تأمل و ملاحظه احساسات دیگران است نه تأیید و تحسین احساسات دیگران. شرط واکنش مناسب در مقابل دیگران درک نوع احساسات طرف مقابل می‌باشد. متخصصان هوش هیجانی معتقدند که نشانه اصلی هوش هیجانی اجتماعی توان همدلی می‌باشد.

این حوزه شامل، فهم دیگران، رشد دادن دیگران، جهت‌گیری خدمت‌گذاری، تنوع‌نغوذ و آگاهی سیاسی می‌باشد.

مهارت‌های اجتماعی

مهارت در این حیطه با توانایی مشترک در کنترل هیجان و تعامل سازگارانه با دیگران همراه است. به نظر گلمن افرادی که می‌خواهند در ایجاد رابطه با دیگران موثر واقع شوند باید توانایی تشخیص، تفکیک، تمایز و کنترل احساسات خود را داشته باشند. سپس از طریق همدلی یک

رابطه مناسب برقرار کنند. این حوزه شامل، تاثیر و نفوذ، ارتباط، مدیریت تعارض، رهبری، کاتالیزور تغییر، برقراری پیوند، همکاری و مشارکت، صلاحیت های گروهی می باشد.

مدل بار-آن

این مدل نیز از جمله مدل های توانایی هوش هیجانی می باشد. به این معنا که هوش هیجانی بازتابی از توانایی فرد در پردازش اطلاعات هیجانی است.

اهمیت و تاثیر مدل بار-آن بواسطه آزمون توانایی و قدرت پیشگویی آن در جنبه های مختلف رفتار و کردار زندگی انسان به اثبات رسیده است (بار-آن، ۲۰۰۶).

از دید بار-آن، هوش هیجانی در طی زمان رشد می کند و این قابلیت را داراست که از طریق آموزش ارتقا یابد و بر نامهریزی شود. از دید وی، هوش هیجانی نقطه تلاقی مهارت ها، توانمندی ها، و تسهیل کننده های اجتماعی و هیجانی فرد است. این مجموعه مشخص می کند که فرد تا چه میزان در درک خود و دیگران، ابراز خود، تعامل با افراد، و مقابله با مشکلات به شیوه های اثربخش عمل می کند (بار-آن، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۶). در الگوی مورد نظر وی، هوش هیجانی به عنوان مجموعه ای از مهارت ها، صلاحیت ها و توانایی های غیرشناختی در نظر گرفته می شود. مفهوم هوش هیجانی در این مدل، شامل پنج مولفه درون فردی، ۳ بکین فردی، ۲۴ سازگاری، ۵ مدیریت (کنترل) استرس و ۲ خلق عمومی امی باشد که هر کدام نیز خود زیر مجموعه هایی دارند (بار-آن، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۶).

مولفه اول، درون فردی

زیرمجموعه های مولفه درون فردی شامل خود آگاهی هیجانی ۸، ابراز وجود (قاطعیت) ۲۹، حرمت نفس، خود شکوفایی و استقلال امی باشد (بار-آن، ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۰؛ ۱۹۹۷):

خود آگاهی هیجانی

2 . Intrapersonal	3
2 . Interpersonal	4
2 . Adaptability	5
2 . Stress Management	6
2 . General Mood	7
2 . Awareness Self Emotional	8
2 . Assertiveness	9
3 . Regard Self	0
9 . Self-Actualization	
3 . Independence	2

میزان آگاهی فرد از احساسات را مورد بررسی قرار می‌گیرد. توانایی شناخت احساسات خود، تفکیک آن‌ها، آگاهی از احساس خود و دلایل ظهور این احساسات.

جرأت مندی (ابراز وجود)

توانایی بیان احساسات، عقاید، افکار و باورهای خود و دفاع از حقوق خود به شیوه‌ای مطلوب، که خود دارای سه بعد است:

توانایی بیان احساسات (ابراز خشم، صمیمیت و احساسات جنسی)،

توانایی بیان عقاید (بیان عقاید مخالف و اتخاذ موضع مشخص حتی با از دست دادن امتیاز)،

توانایی ایستادگی در برابر حقوق خود (اجازه ندادن به دیگران جهت اذیت کردن فرد و دادن

امتیاز).

حرمت نفس

توانایی احترام به خود و پذیرش خود به‌عنوان شخصی که اساساً خوب است. شخص صاحب حرمت نفس، احساس عدم کفایت و حقارت نمی‌کند. پذیرش جنبه‌های مثبت و منفی خود، محدودیت‌ها و قابلیت‌های خود. به‌عبارتی، پذیرش خود آن‌گونه که هست.

خود شکوفایی

توانایی شناخت قابلیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه، تلاش برای شکوفا کردن آن‌ها، کسب حداکثر رشد توانایی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها، تلاش برای داشتن بهترین عملکرد، توانایی دستیابی به اهداف و بهتر کردن خود. انجام آنچه که می‌توان انجام داد. به‌عبارتی، هر آن‌چه که در طول زندگی برای غنا و معنا بخشیدن به زندگی انجام می‌دهیم.

استقلال

توانایی خودکنترلی در تفکر، عمل و عدم وابستگی عاطفی، قابل اتکا در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های مهم، توانایی رفتار خود مختار در مقابل نیاز به حمایت و حفاظت، پرهیز از دیگران برای برآوردن نیازهای عاطفی خود.

مولفه دوم، مولفه بین‌فردی

زیرمجموعه های مولفه بین فردی شامل؛ همدلی^۳، مسئولیت پذیری اجتماعی^۴ و روابط بین فردی^۵ باشد (بار-آن، ۲۰۰۶).

همدلی

توانایی شناخت هیجانات و عواطف دیگران و ارزش دادن به آن. همدلی یعنی ایجاد حس مشترک با یکدیگر، یعنی همان احساسی که دیگری به آن دست یافته است، داشته باشیم. افراد همدل به دیگران توجه دارند و به نگرانی و علایق آنها توجه نشان می دهند.

مسئولیت اجتماعی

نشان دادن خود به عنوان عنصری سازنده، مشارکت کننده، دارای حس همکاری در گروه خویش و دارای وجدان اجتماعی.

روابط بین فردی

توانایی برقراری و حفظ ارتباطات متقابل رضایت بخش که بواسطه محبت کردن و محبت گرفتن توصیه می شود، توانایی صمیمیت با محبت و انتقال دوستی به شخص دیگر است.

مولفه سوم، مولفه سازگاری

زیرمجموعه های مولفه سازگاری شامل؛ حل مسئله^۶ و واقع گرایی (آزمون واقعیت)^۷ و انعطاف پذیری^۸ باشد (بار-آن، ۲۰۰۶؛ ۱۹۹۷):

حل مساله

توانایی شناسایی و تعریف مشکلات، داشتن کفایت و انگیزه برای مقابله موثر با آن، تعیین راه حل های مختلف مسله، تصمیم گیری و انجام یکی از راه حل های.

واقع گرایی (آزمون واقعیت)

سنجش میزان انطباق بین آنچه فرد تجربه کرده و آنچه واقعا وجود دارد، تلاش برای فهم امور به طور صحیح و تجربه رویدادها آن گونه که واقعا هستند بدون خیال پردازی.

-
- | | |
|--------------------------------|---|
| 3 . Empathy | 3 |
| 3 . Social Responsibility | 4 |
| 3 . Interpersonal Relationship | |
| 1 . Problem-Solving | |
| 3 . Reality-Testing | 7 |
| 3 . Flexibility | 8 |

انعطاف پذیری

توانایی منطبق ساختن عواطف، افکار و رفتار موقعیت‌ها و شرایط دائماً در حال تغییر، افراد موظف افرادی فعال، زرتنگ، قادر به واکنش به تغییر بدون تعصب، نسبت به ایده‌ها، جهت‌گیری‌ها و غیره. صبور و گشاده‌رو.

مولفه چهارم، مولفه مدیریت (کنترل) استرس

زیرمجموعه‌های مولفه مدیریت استرس شامل؛ تحمل فشار روانی (استرس) و کنترل تکانش معنی‌باشد (بار-آن، ۲۰۰۶؛ ۱۹۹۷):

تحمل فشار روانی (استرس)

توانایی مقاومت در برابر رویدادها و موقعیت‌های فشارزا، پشت سر گذاشتن موقعیت‌های مشکل‌زا بدون از پای درآمدن، می‌باشد. این افراد کمتر دچار ناامیدی می‌شوند و بحران‌ها و مشکلات را بهتر می‌گذرانند. به عبارتی، این افراد در برابر شرایط استرس‌زا، مقابله موفقیت‌آمیز دارند. به این معنا که می‌توانند استرس‌های ماضی از شرایط پر تنش را کنترل کنند و هیجانات منفی ایجاد شده بواسطه این عوامل را نیز کنترل نمایند.

کنترل تکانش

توانایی به تاخیر انداختن تکانه و سائق، پذیرش تکانه‌های پرخاشگرانه، خودداری‌بودن و کنترل خشم، می‌باشد. همچنین، اثرنداشتن این مهارت فقدان خودکنترلی، رفتارهای کند و غیرقابل پیش‌بینی و آزارگری است.

مولفه پنجم، مولفه خلق عمومی

زیرمجموعه‌های مولفه خلق عمومی شامل خوش‌بینی (آشادمانی معنی‌باشد (بار-آن، ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۰):

خوش‌بینی

3 . Stress Tolerance	9
4 . Impulse Control	0
4 . Optimism	1
4 . Happiness	2

مثبت نگر بودن و نگاه کردن به نیمه روشن تر زندگی. توانایی زیرکانه نگاه کردن به زندگی و تقویت نگرش های مثبت، حتی در صورت بروز بدبختی و احساسات منفی. شادمانی (نشاط)

احساس رضایت از خود، دیگران و زندگی به طور کلی. داشتن احساسات مثبت، صریح، مفرح و شوخ.

د) مدل برادبری و گریوز ۴۴

از دید برادبری و گریوز، هوش هیجانی همان توانایی شناخت، درک و تنظیم هیجان ها و استفاده از آن ها در زندگی است (میردریکوندی، ۱۳۹۰).

این دو پژوهشگر، چهار مهارت یا مولفه برای هوش هیجانی قائل شده اند که عبارت است از: خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه.

دو مهارت خودآگاهی و خودمدیریتی، به خود فرد برمی گردند، و مهارت آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه، به چگونگی رابطه فرد با دیگران (مردم) مربوط می شوند. علاوه بر این، خودآگاهی و آگاهی اجتماعی به شناخت و بینش فرد مربوط هستند، اما خودمدیریتی و مدیریت رابطه، با رفتار و عمل فرد ارتباط دارند (گیتونی و وست، ۱۳۸۵).

مدل دولویکس و هیگس

دولویکس و هیگس بر اساس پژوهش های تجربی خود عناصر محوری مشترک را در ساختار کلی هوش هیجانی شناسایی کرده اند که عبارتند از:

خودآگاهی: آگاهی از احساسات شخصی خود و توانایی تشخیص و مدیریت آن ها.

انعطاف هیجانی: توانایی خوب عمل کردن و سازگاری در موقعیت های مختلف.

انگیزش: انرژی و انگیزه ای که برای دستیابی به نتایج و اهداف کوتاه مدت یا بلندمدت وجود

دارد.

حساسیت بین فردی: توانایی آگاه بودن از احساسات دیگران و دستیابی به تصمیمات قابل

نفوذ در آن ها.

تاثیر: توانایی ترغیب دیگران به تغییر دیدگاهشان در باره یک مساله.

فراست: توانایی استفاده از بینش و تعامل در تصمیم گیری هنگام رویارویی با اطلاعات مبهم.

صداقت: توانایی ایجاد و تعهد در هنگام مواجهه با چالش و اقلام ثابت و درست‌ترین پژوهش بر حسب هدف، کاربردی و بر حسب موقعیت میدانی و برحسب گردآوری داده‌ها، روش پژوهش این تحقیق، پس رویدادی یا علی - مقایسه ای است. همچنین جامعه آماری پژوهش حاضر سردبیران رسانه‌های مختلف دیداری (شامل خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، روزنامه‌ها و مجلات) کشور است که بر اساس قانون مطبوعات مجوز و پروانه انتشار دارند و توسط هیات نظارت بر مطبوعات به عنوان مرجع رسمی صدور مجوز و نظارت بر عملکرد قانونی و بالطبع حرفه ای آنها در کشور پایش می‌شوند. بدین منظور نمونه‌هایی شامل ۲۵ نفر از سردبیران عادی و پایبند به قانون مطبوعات بصورت تصادفی ساده و ۲۵ نفر از سردبیران متخلف و غیر پایبند به قانون مطبوعات رسانه‌های در دسترس (که از هیات نظارت بر مطبوعات به دلیل عدم رعایت قانون مطبوعات تذکر دریافت کرده‌اند) بصورت تصادفی ساده انتخاب می‌شوند.

در این راستا ابزارهای گوناگونی مانند پرسشنامه و اسناد و مدارک. برای بدست آوردن داده‌ها وجود دارد. ابزار استفاده شده در این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

بررسی اسناد و مدارک: برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات این تحقیق و مباحث نظری مرتبط با موضوع از روش بررسی و مطالعه اسناد مرتبط با تخلفات از حدود قانون مطبوعات استفاده شده است.

بدین منظور سردبیران رسانه‌های عادی و پایبند به قانون مطبوعات از فهرست رسمی رسانه‌های دارای مجوز وزارت ارشاد و غیر پایبند از فهرست رسانه‌هایی که از هیات نظارت بر مطبوعات تذکر دریافت کرده‌اند، به روش‌های ذکر شده انتخاب شده و از طریق مراجعه به محل کار ایشان و ارائه پرسشنامه‌های مربوطه مورد آزمون هوش هیجانی قرار می‌گیرند.

پرسش‌نامه استاندارد شده هوش هیجانی بار-آن (۲۰۰۲) ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق است. پرسش‌نامه هوش هیجانی توسط روون بار-آن در سال ۲۰۰۲ میلادی ساخته شد. این پرسش‌نامه یک مقیاس خودگزارش‌دهی می‌باشد و دارای ۱۳۳ سوال (گویه) می‌باشد که در ایران از نسخه ۹۰ سوالی آن استفاده گردیده است و در پژوهش حاضر نیز همین نسخه اخیر بکار گرفته شده است.

این پرسش‌نامه دارای پنج بعد می‌باشد که شامل مولفه درون‌فردی، بین‌فردی، سازگاری، مدیریت استرس و خلق عمومی می‌باشد و سوالات هر بعد در کل مقیاس پراکنده شده‌اند. هر یک از پنج بعد بیان شده، خود دارای زیر ابعادی می‌باشند که عبارتند از:

- مولفه درون فردی: شامل پنج زیر بعد می باشد که عبارتند از خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، عزت نفس، خودشکوفایی، استقلال.
- مولفه بین فردی: شامل سه زیر بعد می باشد که عبارتند از همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی.
- مولفه سازگاری: شامل سه زیر بعد می باشد که عبارتند از حل مسئله، واقع گرایی (آزمون واقعیت)، انعطاف پذیری.
- مولفه مدیریت استرس (فشار روانی): شامل دو زیر بعد می باشد که عبارتند از تحمل فشار روانی، کنترل تکانش.
- مولفه خلق عمومی: شامل دو زیر بعد می باشد که عبارتند از خوش بینی، شادمانی (بار-آن، ۲۰۰۶).

شیوه نمره دهی براساس مقیاس پنج درجه ای طیف لیکرت انجام می گیرد؛ که امتیازدهی هر یک از گویه ها به ترتیب ذیل است: (کاملاً موافقم=۵، موافقم=۴، تاحدودی=۳، مخالفم=۲، کاملاً مخالفم=۱) می باشد که در برخی سوالات، نمره دهی به شیوه معکوس (کاملاً موافقم=۱، موافقم=۲، تاحدودی=۳، مخالفم=۴، کاملاً مخالفم=۵) می باشد.

شیوه تفسیر این پرسش نامه بدین گونه می باشد که جمع نمرات هر فرد بیانگر میزان هوش هیجانی وی می باشد. هر چه نمره فرد در کل مقیاس یا هر یک از ابعاد بیشتر باشد، فرد از میزان هوش هیجانی بیشتری برخوردار است.

همچنین دامنه نمرات ۴۵ تا ۹۰ در کل مقیاس هوش هیجانی و در بعد درون فردی بین ۳۰ تا ۱۵۰، در بعد بین فردی میان ۱۸ تا ۹۰، در بعد سازگاری نیز میان ۱۸ تا ۹۰، در بعد کنترل استرس بین ۱۲ تا ۶۰ و در بعد خلق عمومی نیز بین ۱۲ تا ۶۰ می باشد. در جدول زیر، سوالات مربوط به هر بعد مشخص شده است (همچنین، سوالاتی که شیوه نمره گذاری آنها معکوس بوده است، بلد شده اند).

جدول سوالات هر بعد پرسش نامه هوش هیجانی

سوالات	ابعاد
--------	-------

درون فردی	۳، ۱۸، ۳۳، ۴۸، ۶۳، ۷۸، ۳۶، ۵۱، ۶۲، ۶۶، ۸۱، ۱۵، ۳۰، ۴۵، ۶۰، ۷۵، ۹۰، ۱۰، ۲۵، ۴۰، ۵۵، ۷۰، ۸۵، ۵، ۲۰، ۳۵، ۵۰، ۶۵، ۸۰
بین فردی	۱۴، ۲۹، ۴۴، ۵۹، ۷۴، ۷۹، ۱۳، ۲۸، ۴۳، ۵۸، ۷۳، ۸۸، ۲۳، ۸، ۳۸، ۵۳، ۶۸، ۸۳
سازگاری	۱، ۱۶، ۳۱، ۴۶، ۶۱، ۷۶، ۷، ۲۲، ۳۷، ۵۲، ۶۷، ۸۲، ۱۲، ۲۷، ۴۲، ۵۷، ۷۲، ۸۷
مدیریت استرس	۴، ۱۹، ۳۴، ۴۹، ۶۴، ۷۹، ۱۱، ۲۶، ۴۱، ۵۶، ۷۱، ۸۶
خلق عمومی	۹، ۲۴، ۳۹، ۵۴، ۶۹، ۸۴، ۲، ۱۷، ۳۲، ۴۷، ۶۲، ۷۷

طرح تحقیق از نوع علی - مقایسه ای است و دو گروه آزمودنی از طریق آزمون T مستقل و از طریق مقایسه دو گروه در SPSS که برای مقایسه یک یا چند متغیر در یک یا دو گروه به کار می‌رود. در این روش تحلیل‌ها مقایسه دو گروه مستقل از همدیگر به دو دسته تقسیم می‌شوند. اگر داده‌ها دارای توزیع نرمال باشند باید از آزمون t مستقل استفاده شود و اگر داده‌ها دارای توزیع نرمال نباشند باید از آزمون یو من ویتنی استفاده نمایید.

برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها باید از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شود. این آزمون یک آزمون مقدماتی است که درباره اینکه از آزمون پارمتری یا ناپارمتری استفاده شود خبر می‌دهد. این آزمون دارای پیش فرض‌های زیر است:

- توزیع داده‌ها باید نرمال باشد (با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف).
- داده‌ها دارای مقیاس فاصله‌ای یا نسبی باشند.
- دو گروهی که قصد مقایسه آن‌ها را داریم مقیاس اسمی داشته باشند.

در توزیع فراوانی حجم نمونه به تفکیک گروه سنی مورد مطالعه این پژوهش، ۲۴ درصد از نمونه‌های پژوهش در گروه سنی ۱۹ تا ۲۹ سال، ۴۴ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال و ۳۲ درصد در گروه سنی ۴۰ سال به بالا قرار دارند. همچنین ۳۰ درصد از نمونه‌های پژوهش در وضعیت استخدامی قراردادی، ۴۶ درصد در وضعیت پیمانی و ۲۴ درصد در وضعیت رسمی قرار دارند.

نتایج این پژوهش نشان می دهد که میانگین هوش هیجانی در سردبیران غیر پایبند حدود ۲۲۳ و در سردبیران پایبند حدود ۲۴۸ می باشد. کمینه هوش هیجانی سردبیران غیر پایبند کمتر از کمینه هوش هیجانی سردبیران پایبند بوده و بیشینه هوش هیجانی سردبیران غیر پایبند کمتر از بیشینه هوش هیجانی سردبیران پایبند بوده است.

در رابطه با ابعاد هوش هیجانی، میانگین تمامی ابعاد هوش هیجانی در افراد پایبند بیشتر از افراد غیر پایبند می باشد. بیشترین تفاوت میانگین در دو گروه مربوط به مولفه بین فردی و کمترین تفاوت میانگین نیز مربوط به مدیریت استرس می باشد.

آزمون های استنباطی

فرضیه: هوش هیجانی سردبیران پایبند و غیر پایبند به قانون مطبوعات متفاوت است.

جدول نتایج آزمون تی مستقل بین افراد پایبند و غیرپایبند در برخورداری از هوش هیجانی

سطح معنی داری	مقدار t	درجه آزادی	میانگین	تعداد	متغیر مستقل	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۲/۳	۲	۹۰/۳	۲۵	پایبند	درون فردی
			۸۴/۹	۲۵	غیر پایبند	
۰/۰۰۰	۲/۸	۲	۷۳	۲۵	پایبند	بین فردی
			۶۰	۲۵	غیر پایبند	
۰/۰۰۱	۱/۹	۲	۶۸	۲۵	پایبند	سازگاری
			۶۴/۴	۲۵	غیر پایبند	
۰/۰۰۰	۲/۱	۲	۴۶/۷	۲۵	پایبند	مدیریت استرس
			۳۹/۳	۲۵	غیر پایبند	
۰/۰۱	۱/۹	۲	۴۸/۱	۲۵	پایبند	خلق همگانی
			۴۴/۲	۲۵	غیر پایبند	
۰/۰۰۰	۲/۷	۲	۲۴۸	۲۵	پایبند	هوش هیجانی
			۲۲۳	۲۵	غیر پایبند	

نتایج جدول فوق نشان می دهد که بین افراد پایبند و غیرپایبند در میزان برخورداری از هوش هیجانی تفاوت معنی داری وجود دارد. هم در میان ابعاد و هم در کل که به شرح زیر می باشد:

در مؤلفه درون فردی، میانگین افراد پایبند (۹۰/۳) و افراد غیر پایبند (۸۴/۹) که سطح معنی داری بدست آمده برابر با (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ($p < 0/001$) می باشد و نشان می دهد که فرضیه در بعد درون فردی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید گردید، یعنی بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه درون فردی تفاوت معنی داری وجود دارد.

در مؤلفه بین فردی نیز میانگین افراد پایبند (۷۳) و غیر پایبند (۶۰) که سطح معنی داری بدست آمده برابر با (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ($p < 0/001$) می باشد و نشان می دهد که فرضیه در بعد بین فردی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید گردید، یعنی بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه بین فردی تفاوت معنی داری وجود دارد.

در مؤلفه سازگاری، میانگین افراد پایبند (۶۸) و افراد غیر پایبند (۶۴/۴) که سطح معنی داری بدست آمده برابر با (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ($p < 0/001$) می باشد و نشان می دهد که فرضیه در بعد سازگاری با اطمینان ۹۹ درصد تأیید گردید، یعنی بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه سازگاری تفاوت معنی داری وجود دارد.

در مؤلفه مدیریت استرس، میانگین نمره افراد پایبند (۴۶/۷) و افراد غیر پایبند (۳۹/۳) که سطح معنی داری بدست آمده برابر با (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ($p < 0/001$) می باشد و نشان می دهد که فرضیه در بعد مدیریت استرس با اطمینان ۹۹ درصد تأیید گردید، یعنی بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه مدیریت استرس تفاوت معنی داری وجود دارد.

در مؤلفه خلق همگانی، میانگین افراد پایبند (۴۸/۱) و افراد غیر پایبند (۴۴/۲) که سطح معنی داری بدست آمده برابر با (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ($p < 0/001$) می باشد و نشان می دهد که فرضیه در بعد خلق همگانی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید گردید، یعنی بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه خلق همگانی تفاوت معنی داری وجود دارد.

و در مجموع در میانگین نمره هوش هیجانی، میانگین افراد پایبند (۲۴۸) و افراد غیر پایبند (۲۲۳) که سطح معنی داری بدست آمده برابر با (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ($p < 0/001$) می باشد و نشان می دهد که فرضیه با اطمینان ۹۹ درصد تأیید گردید.

بحث و نتیجه گیری

نتایج در فرضیه این پژوهش نشان داد که، بین هوش هیجانی و میزان پایبندی و غیر پایبندی سردبیران رسانه‌ها به قانون مطبوعات رابطه وجود دارد. میانگین هوش هیجانی در سردبیران غیر پایبند حدود ۲۲۳ و در سردبیران پایبند حدود ۲۴۸ است. کمینه هوش هیجانی سردبیران غیر پایبند کمتر از کمینه هوش هیجانی سردبیران پایبند بوده و بیشینه هوش هیجانی سردبیران غیر پایبند کمتر از بیشینه هوش هیجانی سردبیران پایبند است. در رابطه با ابعاد هوش هیجانی، چنانچه پیداست، میانگین تمامی ابعاد هوش هیجانی در افراد پایبند بیشتر از افراد غیر پایبند است و بیشترین تفاوت میانگین در دو گروه مربوط به مؤلفه بین فردی و کمترین تفاوت میانگین نیز مربوط به مدیریت استرس است.

در مورد این فرضیه؛ هوش هیجانی سردبیران پایبند و غیر پایبند به قانون مطبوعات متفاوت است، نتایج نشان می‌دهد که بین افراد پایبند و غیر پایبند در میزان برخورداری از هوش هیجانی تفاوت معنی داری وجود دارد. هم در میان ابعاد و هم در کل: در مؤلفه درون فردی، میانگین افراد پایبند (۹۰/۳) و افراد غیر پایبند (۸۴/۹) که نشان می‌دهد بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه درون فردی تفاوت معنی داری وجود دارد. در مؤلفه بین فردی نیز میانگین افراد پایبند (۷۳) و غیر پایبند (۶۰) که نشان می‌دهد که بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه بین فردی تفاوت معنی داری وجود دارد.

در مؤلفه سازگاری، میانگین افراد پایبند (۶۸) و افراد غیر پایبند (۶۴/۴) که نشان بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه سازگاری تفاوت معنی داری وجود دارد.

همچنین در مؤلفه مدیریت استرس، میانگین نمره افراد پایبند (۴۶/۷) و افراد غیر پایبند (۳۹/۳) نشان می‌دهد بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه مدیریت استرس تفاوت معنی داری وجود دارد.

در مؤلفه خلق همگانی، میانگین افراد پایبند (۴۸/۱) و افراد غیر پایبند (۴۴/۲) که نشان می‌دهد بین افراد پایبند به اصول و قواعد و افراد غیر پایبند در برخورداری از خصیصه خلق همگانی تفاوت معنی داری وجود دارد. و در مجموع در میانگین نمره هوش هیجانی، میانگین افراد پایبند (۲۴۸) و افراد غیر پایبند (۲۲۳) است که نشان می‌دهد فرضیه مذکور تأیید می‌گردد.

محدوده این پژوهش فقط ۵۰ سردبیر رسانه‌های فعال و موثر در تهران بوده و ابزار گردآوری داده‌ها فقط پرسش‌نامه و اسناد و مدارک قابل دسترسی است. همچنین قلمرو و زمانی پژوهش دوره شروع فعالیت تبلیغاتی غیر رسمی و رسمی انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری دوره شش ماهه از دی ماه ۹۵ تا پایان شهریور ماه ۹۶ است. لذا این موارد از عمده محدودیت‌های در کنترل پژوهشگر در این مقایسه است.

در مورد محدودیت‌های خارج از کنترل پژوهشگر به نظر می‌رسد از آنجا که آزمودنی‌ها به چهار گروه خبرگزاری‌ها- سایت‌های خبری و روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها تعلق داشتند در تعمیم آن به جامعه بزرگ رسانه با ترتیب انتشارهای دیگر باید احتیاط کرد. همچنین عدم کنترل متغیرهایی چون هوش، اطلاعات، تحصیلات و طبقه اجتماعی و فرهنگی از دیگر محدودیت‌های مذکور در این پژوهش است.

در مبحث پیشینه‌های مبتنی بر یافته‌های پژوهش با توجه به نتایج فر ضیه که نشان داد، بین متغیرهای هوش هیجانی و میزبان پایبندی و غیر پایبندی سردبیران رسانه‌ها به قانون مطبوعات رابطه وجود دارد، پیشنهاد می‌گردد که کمک شود تا سردبیران فعال و شاغل رسانه‌ها با شناخت صحیح از نقاط ضعف و قدرت خویش در دنیای پیرامونی خود، بتوانند در کنار سختی‌های شغل خود فعالیت حرفه‌ای هر چه مناسب‌تری ارائه دهند. لذا به نظر می‌رسد در کنار دوره‌های بازآموزی موجود در مرکز آموزش رسانه‌های وزارت ارشاد در غالب طرح آموزش و کارگاهی مهارت‌های لازم در کنترل احساسات و دوره‌های آموزشی ارتقاء هوش هیجانی برای فعالان رسانه‌ای با ترتیب اهمیت و اولویت عنوان شغلی به اجرا در آید تا بتوان با ارتقاء این توانایی، در جهت فعالیت حرفه‌ای هر چه بیشتر رسانه‌ها و کارکرد مثبت آنها در جامعه تاثیر مثبت بخشید.

در مورد پیشنهادهای مبتنی بر تجارب پژوهشگر پیشنهاد می‌شود سردبیران خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های سراسری کشور (با لحاظ حساسیت انتشار اخبار و مطالب از طرف ایشان در شکل دهی افکار عمومی) پیش از بکارگیری و یا استخدام، مورد آزمون هوش هیجانی قرار گرفته و نمره ایشان در این آزمون در استخدام و بکارگیری ایشان ملاک و موثر باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود با همکاری و تفاهم نظام روانشناسی کشور در تهران و در هر استان با مرکز آموزش رسانه‌های وزارت ارشاد، کارگاه‌های آموزشی برای سردبیران (با اولویت یک) و دیگر عناوین شغلی این حرفه مثل روزنامه نگاران و خبرنگاران و عکاسان خبری و ... کلیه رسانه‌های مکتوب

و دیداری دارای مجوز فعالیت از وزارت ارشاد در دو سطح ملی و نشریات استانی - محلی در دوره‌های زمانی مختلف برگزار شود.

پژوهشگر به محققان آتی در این زمینه پیشنهاد می‌دهد که موضوع مورد بررسی با نمونه آماري گسترده‌تری را مورد پژوهش قرار دهند تا نتایج متقن‌تری که بتوان به آن به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی‌های آتی استناد نمود، استخراج گردد. همچنین می‌شود شبیه پژوهش حاضر یا پژوهش‌های مشابهی به صورت ویژه در رسانه‌های الکترونیکی برخط انجام شود. و یا پژوهش‌های آینده در قالب طرح‌هایی طولی انجام پذیرد تا بتوان به شناخت عمیق‌تری از رابطه متغیرهای پژوهش دست یافت.

پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده اثرات متغیرهای مزاحمی چون سن، وضعیت اجتماعی و اقتصادی و نیز علی‌الخصوص وضعیت استخدامی سردبیران رسانه‌ها مورد سنجش قرار گیرد و هوش عقلی و اجتماعی سردبیران رسانه‌ها نیز مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

منابع

منابع فارسی

- ۱- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). "بررسی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی". مطالعات روانشناختی، دوره یک، ۲، ۳۸-۲۵.
- ۲- حسن زاده، رمضان (۱۳۹۳). روش های تحقیق در علوم رفتاری: راهنمای عملی تحقیق. نشر ساوالان.
- ۳- بلیکی، نورمن (۱۳۹۰). طراحی پژوهش های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.
- ۴- پاشا، غلامرضا و گودرزیان، مهری (۱۳۸۹). "رابطه سبک های هویت و رشد اخلاقی با مسئولیت پذیری در دانشجویان". یافته های نو در روان شناسی، ۶، ۹۹-۸۷.
- ۵- تمنایی فر، محمدرضا، لیث، حکیمه (۱۳۹۴). "رابطه هوش هیجانی، خودکارآمدی و حمایت اجتماعی با سازگاری دانش آموزان دبیرستانی". فصلنامه پژوهش های نوین روان شناختی، سال دهم، ۳۹، ۵۲-۲۵.
- ۶- حاجیان، احمدرضا؛ شیخ الاسلامی، محمود؛ همایی، رضا؛ رحیمی، فیض الله و امین الرعايا، مهین (۱۳۹۱). "رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی". فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری (ویژه نامه سلامت روان)، دوره دهم، ۶، ۵۰۸-۵۰۰.
- ۷- حسینیان، سیمین؛ قاسمزاده، سوگند و نیکنام، ماندانا (۱۳۹۰). پیش بینی کیفیت زندگی معلمان زن براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی. دوره سوم، ۹، ۶۰-۴۲.
- ۸- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسش نامه بهره هیجانی بار-آن در بین دانشجویان دانشگاه های تهران و بررسی ساختار عاملی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد روان سنجی. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ۹- رفعتیان، عبدالحسین (۱۳۸۵). مسئولیت پذیری. تهران: نشر قطره.

- ۱۰- زهراکار، کیانوش (۱۳۸۶). "بررسی رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی". روانشناسی کاربردی، دوره دوم، ۵، ۹۸-۸۹.
- ۱۱- شکیبا، شیما؛ فتی، لادن و اصغر نژادفرید، علی اصغر (۱۳۸۷). "رابطه تیپ‌های روان‌شناختی و هوش هیجانی اجتماعی: نکاتی کاربردی درباره ارتقای هوش هیجانی". روان‌شناسی کاربردی، سال دوم، ۴، ۶۲۵-۶۰۷.
- ۱۲- غفوری، محمدرضا؛ کمالی، مهدی و نوری، ابوالقاسم (۱۳۸۷). "رابطه انگیزه پیشرفت و سرسختی روان‌شناختی با هیجان‌خواهی و مسئولیت‌پذیری". دانش و پژوهش در روان‌شناسی. ۳۵ و ۳۶، ۱۸۸-۱۶۵.
- ۱۳- کوئن، بروس (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت.
- ۱۴- گلمن، دانیل (۱۳۹۴). هوش هیجانی: خودآگاهی هیجانی، خویشتن‌داری، همدلی و یاری به دیگران. ترجمه نسرین پارسا. تهران: رشد.
- ۱۵- گیتونی، منصف و وست، ایوبری (۱۳۸۵). هویت و هوش هیجانی. ترجمه پریچهر به‌کیش. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۱۶- لشکری، کبری (۱۳۸۱). سنجش و اندازه‌گیری و تهیه آزمون هوش هیجانی و بررسی اعتبار و روایی و نرم‌یابی آن بر روی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ۱۷- مارنات، گری. گرات (۱۳۸۷). راهنمای سنجش روانی. ترجمه حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو. تهران: انتشارات رشد و سخن.
- ۱۸- میردریکوندی، رحیم (۱۳۹۰). "هوش هیجانی، پیشینه‌ها و رویکردها از نگاه دین و روان‌شناسی". روان‌شناسی دین. سال چهارم، ۳، ۱۲۴-۹۷.
- ۱۹- برادرشاد، نسرین؛ معنوی پور، داوود و باغداساریانس، آنیتا (۱۳۹۰). "بررسی ویژگی‌های روانسنجی فرم کوتاه پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا در کارکنان پالایشگاه نفت شهرآبادان". فصلنامه تازه‌های روانشناسی صنعتی-سازمانی، سال دوم، ۸، ۷۰-۶۱.

- ۲۰- اتکینسون، ریتا ال و اتکینسون، ریچارد سی. (۱۳۸۵). متن کامل زمینه روانشناسی هیلگارد. مترجمان محمد نقی براهنی و دیگران (۱۳۸۵) تهران. انتشارات رشد. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۸۵.
- ۲۱- پورحسین، رضا. مخزن موسوی، فاطمه. روشن، رسول. (۱۳۸۶). ویژگی های بازیگران سینما و تئاتر. تازه های رواندرومانی، شماره ۴۵ و ۴۶، ۹۸-۷۹.
- ۲۲- ریتا ال، اتکینسون و دیگران. (۱۳۸۸). زمینه روانشناسی هیلگارد، مترجمان محمد نقی براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد.
- ۲۳- کوهی، سمانه؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی زاده، مریم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی در زوجین. مجله عملی- پژوهشی پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، ۴ (۱)، ۷۱-۸۴.
- ۲۴- گلمن، دانیل. (۱۳۹۰). هوش اجتماعی. مترجم: حمیدرضا بلوچ. انتشارات: رخ مهتاب.
- ۲۵- گنجی، حمزه. (۱۳۸۷). بهداشت روانی. تهران: انتشارات ارسباران.
- ۲۶- مخزن موسوی، فاطمه. روشن، رسول. پورحسین، رضا. (۱۳۸۶). مقایسه ویژگی های بازیگران سینما و تئاتر. فصلنامه تازه های روان درمانی. سال ۲. شماره ۴۵. ۷۶-۵۱.
- ۲۷- هرشن سن، دیوید بی ؛ پاول، پاور دلبلیو (۱۳۸۴). مشاوره بهداشت روانی نظریه و عمل. ترجمه: محمد نقی منشی طوسی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۲۸- هالچین، ریچارد. پی. ویتبورن، سوزان کراس. (۱۳۸۶). آسیب شناسی روانی. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر روان.

منابع لاتین:

- 29- Bastian VA. (2005). Emotional intelligence, predict life skills, but not us well as personality and cognitive abilities. *Personality and Individual Differences*. 39(6): 1135-1145.
- 30- Chamorro-permuzic T., Ben ett E., Forham A. (2007). The Happy personality: Mediatlional Role of Trait Emotional In telligence. *Personality and Individual differences*.

-
- 31-Ciarrochi J., Frank P., Deane Stephen A. (2002), Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health, *Personality and individual difference*,32: 197-209.
- 32- Crowne, K. A. (2009). The relationships among social intelligence, emotional intelligence and cultural intelligence, *Organization Management Journal*, 6, 148–163.
- 33- Hayas, N & Joseph, S (2003). Big Five Correlates of Three Measures of Subjective Well-being. *Personality and Individual Differences*,34(4), 723-27.
- 34- Goleman, D. (2005). *working with emotional intelligence*, N. Y. Bantam Books.
- 35- Lee, J.E., Wong, C. M. T., Daya, J. D., Maxwell, S. E., & Thorpe, P. (2008). Social and academic intelligences: a multitraitmultimethod study of their crystallized and fluid characteristics, *Personality and Individual Differences*, 29, 539-553.
- 36- Muck, P. M., Hell, B., & Gosling, S. D. (2007). Construct Validation of a Short Five-Factor Model Instrument: A Self-Peer Study on the German Adaptation of the Ten-Item Personality Inventory (TIPI-G). *Euro Journal Psychology Assessment*, 23(3), 166–175.
- 37- Muris, P., Meesters, C., & Diederens, R. (2005). Psychometric properties of the Big Five Questionnaire for Children (BFQ-C) in a Dutch sample of young adolescents. *Personality Individual Difference*, 38, 1757–1769.
- 38- Matthews, G., & Gilliland, K (2003), The personality theories of H. J. Eysenck and J. A Gray: a comparative review. *Personality and Individual Differences*, 26, 583–626.
- 39- Weis, S., & Su., H., M. (2007). Reviving the search for social intelligence –A multitrait- multimethod study of its structure and construct validity, *Personality and Individual Differences*, 42, 3–14
- 40- Bar-On, Roven (2006). The Bar-On Model of Emotional-Social Intelligence (ESI). *Psicothema*.18, 13-25.

- 41- (2000). Emotional and social intelligence: insight from the emotional a valiant inventory (EQ-1). In: R Bar- On, J D A. Parker, editors, Handbook of emotional intelligence. Sanfrancisco: Jossey-Bass, 363-388.
- 42-(1997).The Emotional Quotient Inventory (EQ-i): Technical manual. Toronto, Canada: Multi-Health Systems, Inc.
- 43- Doinita, Nanu Elena (2015). “Adult Attachment, Self-esteem and Emotional Intelligence”. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 187, 570 – 574.
- 44- Brackett, Marc A.; Mayer, John D. & Warner, Rebecca M. (2004). “Emotional intelligence and its relation to everyday behavior ”, Personality and Individual Differences, 36 , 1387–1402.
- 45- Hamid , Najmeh & Marashi, Ali (2014). “The Effects of Emotional Intelligence on the Quality of Social Relationships of Librarians in Public Libraries in Ahwaz”. International Journal of Psychology and Behavioral Research. Vol. 3, 1, 1-8.
- 46- Khajehpour, Milad (2011). “Relationship between emotional intelligence, parental involvement and academic performance of high school students”. Procedia Social and Behavioral Sciences, 15 , 1081–1086.
- 47- Mayer, John. D. & Cobb, C.D. (2000). “Emotional intelligence: What the research says. Educational Leadership, 58, 3, 8-14.
- 48- Mayer, John. D., Salovey, P., & Caruso, D. (2004). “Emotional intelligence: Theory, Finding, and Implications”. Psychological Inquiry, Vol. 15, 3, 197-215.

- 49- Mayer, John. D., Salovey, P., & Caruso, D.(2002). Mayer-Salovey-Caruso Emotional Intelligence Test (MSCEIT),Version 2.0. Toronto, Canada: Multi-Health Systems.
- 50- Mayer, John. D., Salovey, Peter, & Caruso, David. R.(2000). Models of emotional intelligence. In R. J. Sternberg (Ed.), Handbook of intelligence (pp.396–420). Cambridge, England: Cambridge University Press.
- 51- Mayer, John. D. & Salovey, Peter (1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey & D. Sluyter (Eds). Emotional Development and Emotional Intelligence: Implications for Educators (pp. 3-31). New York: Basic Books.
- 52- Salovey, Peter & Mayer, J.D. (1990)"Emotional intelligence" Imagination, Cognition, and Personality, 9, 185